

بازنمایی گروه اسمی در گویش معشوری و گروه‌های نقشی مربوط به آن بر پایه

نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی

بهمن گرجیان^۱

آزاده عبادی^۲

چکیده

در دو دهه اخیر ارائه نظریه گروه نقشی حرف تعریف در چگونگی تحلیل گروه اسمی تحول عمده‌ای پدید آورده است. برای نمونه مجموعه‌ای از فرافکنی‌های نقشی خاص در سطوح بالاتر از اسم به کار می‌رود. در سطح بالاتر از گروه اسمی در گویش معشوری، گروه‌های نقشی حرف تعریف و اضافه به کار می‌رود. گروه‌های نقشی مربوط به اسم بر گروه اسمی هیچ‌گونه نقش معنایی، فرافکنی نمی‌کنند بلکه هرکدام ویژگی‌های نحوی خاصی را به گروه اسمی می‌افزایند. گروه نقشی حرف تعریف، از راه ویژگی‌های نحوی خاص حروف تعریف، به گروه اسمی ساخت و معنی مناسب اختصاص می‌دهد. گروه اضافه نیز از راه ویژگی‌های نحوی اضافه و رابطه افزودگی، گروه اسمی را گسترش می‌دهد. پژوهش حاضر، گروه‌های نقشی مربوط به اسم را در گویش معشوری بررسی و توصیف می‌کند.

کلیدواژه‌ها: گویش معشوری، گروه اسمی، گروه حرف تعریف، گروه اضافه‌ای، گروه نقشی

*. دانشیار گروه زبان انگلیسی، واحد آبدان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبدان، ایران.

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان انگلیسی، واحد آبدان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبدان، ایران.

۱. مقدمه

شهرستان بندر ماهشهر یکی از بنادر قدیمی کرانه خلیج فارس می باشد که با مساحتی در حدود ۲۷۱۳ هکتار و با ارتفاع سه متر از سطح دریا، در استان خوزستان واقع شده و پس از اهواز وسیع‌ترین شهر استان می باشد. این شهر که از شمال به اهواز، از غرب به آبادان و خرمشهر، از شرق به هندیجان و بهبهان و از جنوب به خلیج فارس محدود است دارای سه بخش به نام‌های ماهشهر، بندر امام و چمران با یک دهستان به نام جراحی و ۶۵ روستا می باشد. طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۸۷، جمعیت ماهشهر ۲۶۳۱۳۰ نفر برآورد شده است. ماهشهر از موقعیت استراتژیک و اقتصادی مهمی برخوردار بوده و مشتمل بر دو بخش بندر ماهشهر قدیم و ناحیه صنعتی می باشد.

اکثر قریب به اتفاق مردم این شهر به گویش معشوری که به گویش بندری نیز معروف است تکلم می کنند. این گویش که به لحاظ رده شناختی یکی از گویش‌های ایرانی نوبی غربی است، با گویش‌های هندیجانی، بختیاری و حتی گویش‌های بندر دیلم و بندر گناوه قرابت داشته و به دلیل وجوه اشتراک فراوانی که با گونه‌های مختلف گویش لری دارد در زمره آنها قرار می گیرد.

تحولات سریع زبان شناسی در نیمه دوم قرن بیستم از یک سو، ادعاهای نوینی را مطرح کرده است که مطابقت آن با زبان‌ها و داده‌های مختلف لازم است؛ از این رو مطالعه زبان شناختی گویش‌های کشورمان براین اساس امری ضروری می نماید. از سوی دیگر همگرایی روز افزون گویش معشوری با زبان فارسی و کاسته شدن تعداد گویشوران آن، نگارندگان را بر آن داشت تا توصیفی زبان شناختی از گروه‌های نقشی گروه اسمی به عنوان بخشی از ساختار گویش معشوری در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی ارائه دهند.

پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی گروه‌های نقشی وابسته به اسم در گویش معشوری پردازد. براین اساس در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

(۱) گروه‌های نقشی مربوط به اسم در گویش معشوری کدامند؟

(۲) کارکرد ساختی گروه حرف تعریف و گروه اضافه در گویش معشوری چیست؟

لازم به ذکر است که داده‌ها از طریق ضبط گفتار گویشوران میانسال تا کهنسال، بی سواد تا کم سواد، به دست آمده و مورد آزمایش قرار گرفته و نتایج حاصل استخراج گردیده است؛ علاوه بر آن از شمّ زبانی یکی از نگارندگان که خود گویشور گویش معشوری می باشد در تجزیه و تحلیل بهتر و دقیق تر داده‌ها بهره برده شده است.

۲. مطالعات پیشین و چارچوب نظری

«تاریخچه مطالعات نظام‌مند گویش‌ها به بیش از یک قرن می‌رسد.» (محبی بهمنی، ۱۳۸۴: ۲۱) فهرست کاملی از تحقیقات صورت گرفته بر روی گویش‌های ایرانی، در دو یادداشت تحت عناوین «فهرست مآخذ زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی» اثر راس (۱۳۳۲) در دفتر اول از جلد اول فرهنگ ایران زمین و «کتاب شناسی زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی» اثر افشار (۱۳۳۴) در دفتر اول از جلد سوم فرهنگ ایران زمین آمده است. در زیر به طور مختصر به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در مورد اسم و گروه اسمی در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی اشاره خواهد شد.

در زبان فارسی مشکوه‌الدینی (۱۳۵۷)، اسلامی (۱۳۷۳)، سقلاطون (۱۳۷۳)، دادپناه (۱۳۷۶)، و لبافان خوش (۱۳۸۴) به بررسی گروه اسمی در زبان فارسی بر پایه نظریه ایکس تیره پرداخته‌اند. غنی‌لو (۱۳۷۹) گروه اسمی زبان آذری را بر اساس ایکس تیره بررسی کرده است. جلالی کندلوسی (۱۳۸۳)، ابراهیم پور کردرودباری (۱۳۸۳)، و سلیمی خورشیدی (۱۳۸۵) گروه اسمی در گویش مازندرانی و عطایی (۱۳۷۰) گروه اسمی در گویش گیلکی را بر اساس نظریه ایکس تیره مورد بررسی قرار داده‌اند. آرمیده (۱۳۷۱) و گرامی (۱۳۷۱) به بررسی گروه اسمی در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان و لری بویر احمدی پرداخته‌اند، فلاحی (۱۳۷۹) گروه اسمی در گویش ملایری را بر اساس نظریه ایکس تیره بررسی کرده است. حاتمی‌عباد (۱۳۷۵) گروه اسمی گویش کردی کلیایی کرمانشاه و احمدی (۱۳۷۸) گروه اسمی زبان کردی، و عبدی (۱۳۸۹) نیز گروه اسمی در گویش لری خرم‌آبادی را بررسی کرده‌اند.

به نظر می‌آید در مورد گروه اسمی در گویش معشوری پژوهش مستقلی صورت نگرفته است یا حداقل نگارندگان پژوهشی را در این زمینه نیافته‌اند. از این رو مطالعه حاضر بر آن است گروه اسمی را در این گویش، به عنوان یکی از وابسته‌های گروه حرف تعریف بر پایه تعدیل‌های صورت گرفته در نظریه حاکمیت و مرجع-گزینی مورد مذاقه قرار دهد. نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، نظریه‌ای درباره دستور همگانی است که در سال ۱۹۸۱ توسط چامسکی ارائه شده است. این نظریه که گاه نظریه اصول و پارامترها خوانده می‌شود، شامل تعدادی اصول بنیادی و جهان شمول و نیز تعدادی پارامتر است. هر پارامتر نیز دارای دو ارزش یا وضعیت است که زبان‌ها از بین آن دو دست به انتخاب می‌زنند (دبیرمقدم ۱۳۸۳: ۴۲۳).

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳.۱. گروه اسمی و گروه‌های نقشی مربوط به آن

گروه اسمی اولین بار توسط هریس در سال ۱۹۵۱ صریحا مطرح شد، او آن را تکرارپذیرترین گروه در جمله به حساب می‌آورد که می‌تواند نقش‌های زیادی را ایفا کند (تراسک: ۱۹۹۹: ۱۸۹).

چامسکی در مقاله خود (۱۹۷۰) تحت عنوان "اظهاراتی درباره اسم سازی" به بررسی گروه اسمی پرداخت، اما تا ده سال پس از وی کسی به گروه‌های اسمی به طور مستقل نپرداخت. ردفورد (۱۹۸۸) بر اساس نظریه ایکس تیره به طور مشروح به بررسی گروه‌های اسمی در زبان انگلیسی پرداخته است. او همه گروه‌های اسمی را شامل سه سطح "N, N', N" می‌داند و همه وابسته‌ها از جمله مشخص‌گرها، متمم‌ها، افزوده‌های پیشین و افزوده‌های پسین را در گروه اسمی توضیح داده است. کوپر (۱۹۹۲) در مورد گروه‌های اسمی نظریه جکندوف را به کار می‌برد و مولفه‌های نحوی را در مقابل مولفه‌های معنایی قرار می‌دهد. او گروه اسمی زبان انگلیسی را دارای ساخت سلسله مراتبی می‌داند و معتقد است که شاخه میانی گروه اسمی در بعضی موارد می‌تواند بیش از یک بار ظاهر شود و هر N' می‌تواند یک "N" را به عنوان وابسته بپذیرد ولی این مسئله در مورد "N" صادق نیست و "N" نمی‌تواند به عنوان وابسته‌ک "N" دیگر به کار رود (دادپناه: ۱۳۷۵: ۱۴۱). هگمن (۱۹۹۴) نیز مانند ردفورد به بررسی گروه‌های اسمی، مطابق با نظریه ایکس تیره پرداخته است و برای همه گروه‌های اسمی قائل به سه سطح "N, N', N" است. او به مطابق هسته head با مشخص‌گرها specifiers توجه دارد اما به نقش افزوده‌ها adjuncts و کارکرد آن در گروه اسمی توجه نکرده است. تراسک (۱۹۹۹) نیز در مطالعات گروه اسمی، وجود هسته را جزء لاینفک و ضروری می‌داند و بین مشخص‌گر و توصیف‌کننده‌ها تمایز قائل شده است و بیان می‌کند که مشخص‌گر معرفه‌کننده است و توصیف‌کننده‌ها حاوی اطلاعات اضافی در خصوص هسته هستند. غلامعلی زاده (۲۸: ۱۳۷۶) می‌گوید هر گروه اسمی، یک اسم به منزله هسته گروه دارد و باقی‌واژه‌های آن، در واقع حکم وابسته‌های پیشین و پسین آن اسم هستند. مشکوه‌الدینی (۱۳۷: ۱۳۷۹) آن واحد نحوی را که از یک یا چند واژه تشکیل می‌شود و واژه اصلی یا هسته آن اسم است، گروه اسمی نامیده است. به این ترتیب در گروه اسمی همواره یک اسم به عنوان واژه اصلی یا هسته به کار می‌رود و به واژه یا گروه‌هایی که در گروه اسمی به همراه هسته اسم به کار می‌روند، وابسته گفته می‌شود. گلفام (۱۵۳: ۱۳۸۴) اسم را یکی از مهمترین طبقات واژگانی می‌داند که معمولا برای اشاره به شخص، مکان یا چیزی به کار می‌رود. او به این نکته نیز اشاره می‌کند که بر اساس ملاحظات زبان شناختی بهتر این است که در تعریف اسم از ملاک‌های توزیعی استفاده شود. به این ترتیب گروه اسمی را گروهی می‌داند که نقش هسته آن را یک اسم به عهده دارد.

۳. ۲. حرف تعریف

در دو دهه اخیر ارائه نظریه گروه نقشی حرف تعریف در چگونگی تحلیل گروه اسمی تحول عمده ای پدید آورده است (مشکوه الدینی ۱۳۸۷). یکی از نخستین مباحث پیرامون وجود یک هسته نقشی در گروه اسمی در مقاله بریم (۱۹۸۲) مشاهده می شود؛ او چنین اظهار می کند: " فکر می کنم اشتباه است اگر تصور کنیم که اسم هسته گروه اسمی باشد. ما باید گروه DP را در نظر بگیریم یعنی گروه حرف تعریف ". به عقیده او، این هسته ک گروه را به عنوان متمم خود برمی گزیند (ص ۳۲۱). بریم در نهایت تا آنجا پیش می رود که وجود گروه اسمی را غیر ضروری می داند چرا که فرافکنی هسته حرف تعریف، یک DP است که متمم آن یک N است نه NP (همان، ۳۲۵).

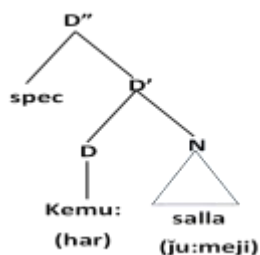
پس از انتشار کتاب موانع چامسکی (۱۹۸۶ الف) توجه به گروه های نقشی بیشتر شده است (کوک، ۱۹۹۷: ۱۵). در زبان فارسی نیز، گروه حرف تعریف در سطح بالاتر اسم پذیرفته شده است. از جمله محققانی که قائل به وجود گروه نقشی حرف تعریف هستند می توان به قمشی (۱۹۹۶)، معین زاده (۲۰۰۱)، کهنمویی پور (۲۰۰۳)، معظمی (۱۳۸۵) و مشکوه الدینی (۱۳۸۷) اشاره کرد.

علاوه بر گروه حرف تعریف که در زبان های گوناگون قابل تحلیل است، گروه نقشی دیگری در سطح بالاتر از گروه حرف تعریف وجود دارد که ظاهراً مختص زبان فارسی است و آن گروه اضافه است (Ezafep). بر پایه تحلیل یاد شده، سازه هایی که از پیوند یک اسم، و یا حرف اضافه با یک اسم دیگر با صفت به واسطه حرف اضافه تشکیل شده اند دارای هسته نقشی اضافه در نظر گرفته می شوند (مشکوه الدینی، ۱۳۸۷: ۳۷۱).

ابنی (۱۹۸۷) حرف تعریف را هسته تلقی کرده است و گره فرافکنی پیشینه آن را گروه حرف تعریف "D'" نامیده است. او معتقد بود که چنانچه حرف تعریف را وابسته گروه اسمی قرار دهیم برخی از ساخت های دستوری را نمی توان توصیف کرد. اما اگر آن را هسته به شمار آوریم و گروه اسمی را متمم آن بدانیم، می توان ساخت هایی را که قابل توصیف نیستند را نیز توصیف کرد. پس بطور خلاصه، بر اساس آنچه گفته شد، در نمودارهای درختی دیگر به طور مستقل گروه اسمی نداریم بلکه گروه های اسمی در بطن گروه تعریف واقع می شوند (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۵۰۴). ردفورد (۲۰۰۴: ۱۴۴) به نقل از لانگویاردی (۱۹۹۴) ادعا می کند که گروه هایی، گروه حرف تعریف تلقی می شوند که موضوع (argument) باشند لذا مواردی مثل گروه های اسمی ندایی (vocative)، گزاره ای (predicative)، و تعجبی (exclamative) را صرفاً گروه اسمی (Np-) expression) تلقی می کند. نمونه های زیر گروه اسمی را در درون گروه حرف تعریف نشان می دهد:

۱) Kemu salla «کدام سبد»

۲) Har Ĵumeji «هر پیراهنی»



مشکوه‌الدینی (۱۳۸۶) به نقل از ردفورد (۲۰۰۴) با ذکر تفاوت‌های صفت و حرف تعریف، به اثبات گروه حرف تعریف به عنوان گروهی مجزای می‌پردازد. واژه صفت تنها در صورت سازگاری معنایی با اسم، با آن به کار می‌رود در حالیکه حرف تعریف با همه واژه‌های اسم به کار می‌رود بنابراین معنی آن‌ها با معنی هر اسمی سازگار است. نمونه‌های زیر نشان می‌دهند که برعکس صفت، حروف تعریف فاقد معنی واژگانی اند و صرفاً به معانی نحوی خاص اشاره دارند. منظور از معنی نحوی همان معنی دستوری است مثل معنای نحوی عنصر «زمان» در گروه نقشی زمان در سطح بالاتر از گروه فعلی (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

- 3) merdeyo این مرد
- 4) kemu: merd کدام مرد
- 5) zangel zel زن‌های زنگ
- 6) hoš gap حیاط بزرگ
- *7) tangäre xal کوچه کج
- *8) tangäre genes کوچه خسیس

حروف تعریف در گویش معشوری را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

صفت اشاره معین	o این	eku: آن	Hamvonä همینها	Hamyenä همانها	Yenäl/vonäl اینها/آنها
صفت اشاره نامعین	hama همه	Hič هیچ	I:čono چنین	Har هر	
صفت تعجب	čeqa چقدر	Če چه		ʔajab عجب	
صفت پرسشی	Kemu: کدام	Če چه	Čan چند	Čeqa چقدر	Štow چطور
ضمیر اشاره	mo من	To تو	Vo او	Imä ما	šemä/vonä شما/ایشان

وقتی حرف تعریف ضمیر است و متمم آن گروه اسمی است، مطابقت، ضمائر انعکاسی و جمله‌های پرسشی ضمیمه، حروف تعریف را به عنوان هسته تلقی می‌کنند (ردفورد، ۲۰۰۴: ۱۴۱). شواهد زیر گواه این تحلیل است:

(9) ?imä zangel mašu:ri xomu:ne/*xošü:ne/*xotu:ne mali igirim, nigerim?

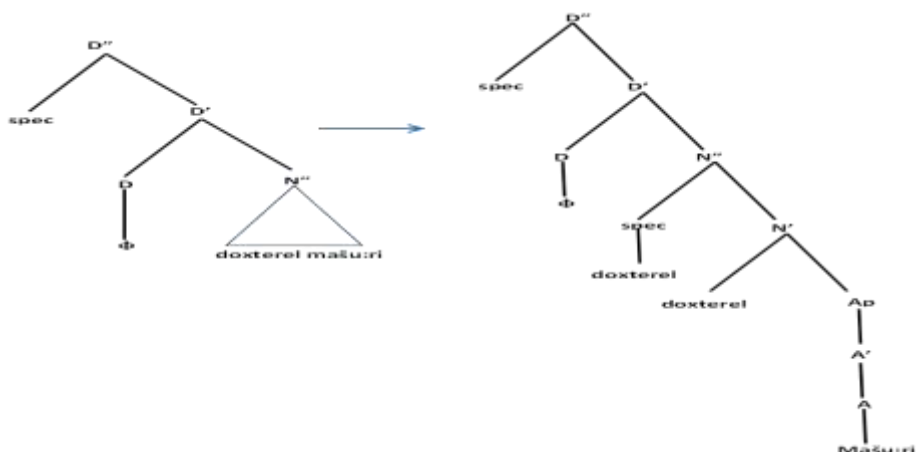
ما، زنان ماهشهری، خودمان را خیلی قبول داریم، نداریم؟

(10) doxterel mašü :ri xošü :ne/*xotu :ne/*xomu :ne mali igeren, nigeren ?

دختران-ماهشهری خودشان را خیلی قبول دارند، ندارند؟

در شاهد (10) ضمیر تهی است و مشخصاً سوم شخص بودن را القا می‌کند. اسم‌های خاص و گروه‌های اسمی بدون حرف تعریف گروه‌های حرف تعریف هستند که در آن‌ها حرف تعریف تجلی آوایی ندارد.

نمودارهای درختی زیر گروه حرف تعریف با ضمیر (9) و نیز با حرف تعریف تهی (10) را نشان می‌دهند:



۳.۳. گروه اضافه

عصری که که مفهوم اضافه را نشان می‌دهد، در اغلب زبان‌ها دارای نمود صریح ساختاری است؛ اما در فارسی به صورت واکه کسره است و گاهی به صورت (-ی) نیز تجلی می‌یابد. عنصر اضافه‌ک گروه اسمی را به گروه اسمی، گروه صفتی و یا حتی گروه حرف اضافه ای دیگر پیوند می‌دهد. در قالب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی هسته اضافه Ezafe به اسم پس از خود حالت اضافه می‌دهد.

در گویش معشوری نیز توصیف کسره اضافه، به عنوان هسته گروه نقشی اضافه قابل قبول به نظر می‌رسد که می‌تواند تجلی یابد و یا حضور نداشته باشد:

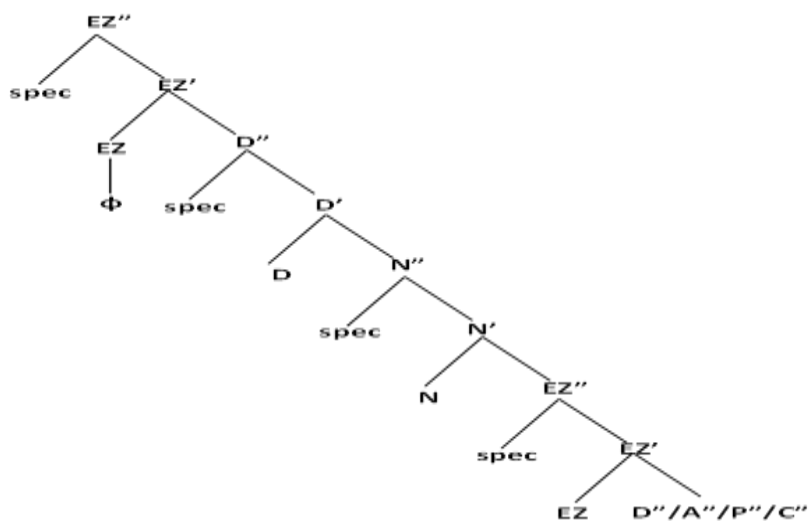
(11) däre(e) du:men(e) Šāzda hamza

درختان کُنارِ پایینِ شاهزاده حمزه

(12) doxterel(e) dey ali

دخترانِ مادرِ علی

مشکوه الدینی (۱۳۸۶:۳۸۲) به نقل از عبدی (۱۳۸۹) معتقد است در زبان فارسی، گروه نقشی اضافه در سطح بالاتر از گروه حرف تعریف به کار می‌رود و از راه تکرار بازگشتی گروه اضافه، امکان گسترش مناسب گروه اسمی به صورت نامحدود فراهم می‌گردد. بر این اساس، نمودار درختی گروه اضافه به صورت زیر نمایش داده می‌شود:



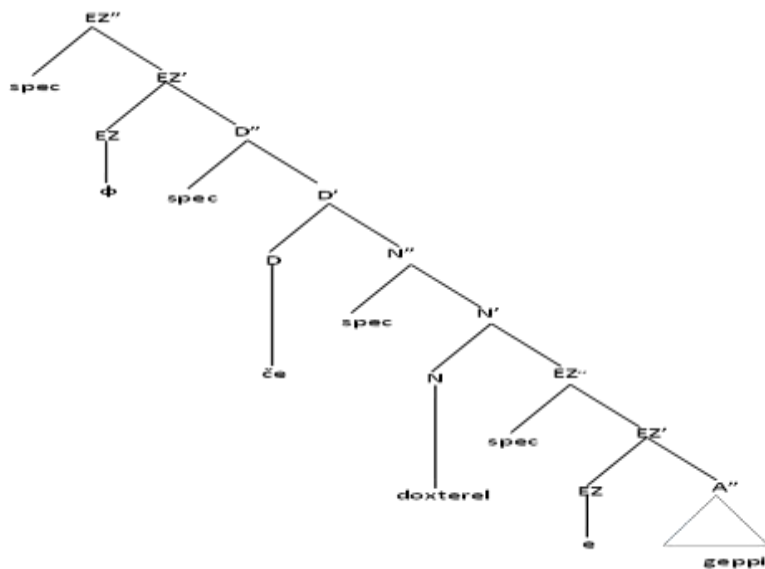
نمودار بالا نشان می‌دهد که در جایگاه متمم گروه اضافه، می‌توان هر یک از گروه‌های حرف تعریف، صفتی، حرف اضافه‌ای و متمم‌نما را به کار برد؛ به عبارتی، کسره اضافه می‌تواند یک گروه اسمی را به گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای و گروه متمم‌نما پیوند دهد.

شاهد زیر، گروه اسمی و گروه‌های نقشی مربوط به آن را نشان می‌دهد:

(13) Che doxterel e geppi

[Ez''[D'' če [N''[doxterel [A''e geppi]]]]]

چه دخترهای - درشتی



۴ . نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی گروه اسمی در گویش معشوری برپایه تعدیل‌های صورت گرفته در گروه‌های نقشی حرف تعریف و اضافه پرداخت و براین اساس در پی پاسخگویی به سوالات زیر بود:

(۱) گروه‌های نقشی مربوط به اسم در گویش معشوری کدامند؟

(۲) کارکرد ساختی گروه حرف تعریف و گروه اضافه در گویش معشوری چیست؟

به این ترتیب با طرح گروه‌های حرف تعریف و اضافه، گروه اسمی یکی از سازه‌های آن‌ها قلمداد می‌شود. به دیگر سخن، گروه حرف تعریف و گروه اضافه گروه‌های نقشی مربوط به اسم در این گویش هستند. گروه اضافه در سطح بالاتر از گروه حرف تعریف به کار می‌رود و از راه تکرار بازگشتی، امکان گسترش گروه اسمی را تا بی‌نهایت فراهم می‌کند.

کتاب‌نامه

کتاب‌ها

افشار، ایرج (۱۳۳۴). کتاب شناسی زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد سوم.

دیرمقدم، محمد (۱۳۸۳) زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: سمت، ویراست دوم.

راس، نیکلا (۱۳۳۲)، فهرست مآخذ زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد اول.

گلفام، ارسلان (۱۳۸۵) اصول دستور زبان، تهران: سمت

Chomsky, N. (1957). **Syntactic Structure**. The Hague: Mouton

Cowper, E. (1992). **A Concise Introduction to Syntactic Theory**. Chicago: The University of Chicago Press.

Haegeman, L. (1994). **Introduction to Government and Binding Theory**. Oxford: Blackwell.

Radford, A. (1981). **Transformational Syntax**. Cambridge: Cambridge University Press.

_____ (2004). **Minimalist Syntax**. Cambridge: Cambridge University Press.

Trask, R. L. (1991). **A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics**. London: Routledge.

پایان‌نامه‌ها

آرمیده، مینا (۱۳۷۱). بررسی گروه اسمی گویش لری بختباری مسجد سلیمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.

بازنمایی گروه اسمی در گویش معشوری و گروه‌های نقشی... ۹۱

ابراهیم پور، سیروس (۱۳۸۳). بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش مازندرانی بر مبنای نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه تهران.

احمدی، بهزاد (۱۳۷۸). بررسی گروه اسمی در زبان کردی بر اساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

اسلامی، محرم (۱۳۷۳). توصیف وابسته‌های پسین در زبان فارسی بر مبنای نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه تهران.

جلالی کندلوسی، مرتضی (۱۳۸۳). بررسی ساختار گروه اسمی در گویش غرب مازندران بر اساس نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

حاتمی‌عباد. علی اشرف (۱۳۷۵). بررسی گروه اسمی در گویش کردی کلیایی کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

دادپناه، نغمه (۱۳۷۶). ساختار گروه اسمی در زبان فارسی بر مبنای ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

سقلاطون، عباس علی (۱۳۷۳). بررسی گروه اسمی بر مبنای نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.

سلیمی خورشیدی، علی (۱۳۸۵). بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش مازندرانی بر اساس نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

عبادی، آزاده (۱۳۸۸)، «گویش ماهشهری، بررسی اصول مرجع‌گزینی در آن بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و بررسی عوامل انسجام بخش متنی در این گویش بر اساس چارچوب هلیدی و حسن (۱۹۷۶)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس.

عبدی، پروین (۱۳۸۹). توصیف گروه اسمی در گویش لری خرم‌آبادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه شهیدبهشتی.

عطایی، افشین (۱۳۷۹). بررسی ساختمان گروه اسمی در گویش گیلکی بر اساس نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه تهران

فلاحی، احمد (۱۳۷۹). ساخت درونی گروه اسمی لری ملایری بر اساس نظریه ایکس تیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه تهران.

لبافان خوش، زهرا (۱۳۸۴). بررسی ساخت درونی گروه اسمی فارسی با توجه به سطح فراقکن وابسته‌های پسین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی. دانشگاه تهران

۹۲ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۶

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۵). توصیف گروه اسمی زبان فارسی از دیدگاه دستور زایشی. رساله دکتری
زبان‌شناسی. دانشگاه تهران

Abney, S.P. (1987). The English Noun Structure in its Sentential Aspect.
Ph.D Dissertation. Massachusetts Institute of Technology.

